

۱۰ افسانه‌ی سیستان «آسوکه»

به روایت : حاج ابراهیم خمر
مقدمه: امین اله سرابندی

انتشارات تفتان

سرشناسه	خمر، ابراهیم، ۱۳۱۶ -
عنوان و نام پدیدآور	افسانه‌های سیستان «آسوکه» / ابراهیم خمر.
مشخصات نشر	زاهدان: تفتان، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	۷۴ ص. رقعی
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۹۲۳-۶۶-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
عنوان گسترده	ده افسانه‌های سیستان آسوکه.
موضوع	افسانه‌ها و قصه‌های سیستانی
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۹ د ۸ خ / ۸۷۷۵ PIR
رده‌بندی دیویی	۳۹۸ / ۲۰۹۵۵۷۴
شماره کتابشناسی ملی	۲۱۵۳۲۶

فکس: ۳۲۲۴۵۶۵

انتشارات تفتان

تلفن: ۳۲۱۱۱۷۹

افسانه‌های سیستان «آسوکه»

- به روایت: ابراهیم خمر
- ویراستار: امین‌اله سرابندی
- چاپ اول: ۱۳۹۰
- طراح جلد: مهدی رخشانی (کانون تبلیغاتی باران ۳۲۱۱۱۷۸)
- صفحه‌آرا: عصمت گلزار
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ نيزار تهران
- تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- تعداد صفحه: ۷۲ صفحه
- ارزش: ۲۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-964-8923-66-7

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۲۳-۶۶-۷

انتشارات تفتان، زاهدان - خیابان مولوی - نیش مولوی ۱۹

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	افسانه باغ بزلنگی
۲۴	افسانه مادر بزرگ و نوه
۲۹	شاه و وزیر هوس‌باز
۳۴	افسانه مرد تاجر
۳۹	افسانه مرد خار کن
۴۱	افسانه گرگ
۴۶	عاقبت یک شیر
۵۰	شرط بندی به خاطر غرور
۵۶	عاقبت دو برادر
۶۰	آرزوی یک پادشاه

سیستان، سرزمینی است کهن که از پگاه تاریخ بر تارک نیمه شرقی فلات ایران می‌درخشد و تمامی افسانه‌ها و حماسه‌های تاریخی را یکجا در پیکره اش جمع کرده است. تاریخ سیستان در این مورد می‌نویسد «فصل دیگر آنست که بگاه غرق نوح(ع) که اندر کشتی گرد آفاق همی گشت، کشتی آنجا بایستاید و کبوتر را بفرستاد تا خبر آورد نزدیک وی که عذاب برخاست و آب کمتر شد و آنجا دو رکعت نماز کرده، اندر کشتی و کبوتر را دعا کرد که یارب این را عزیز گردان و آن بقعه را دعا کرد به برکت و اکنون تا رستاخیز همیشه آن برکت بر آن مردمان باشد و بر آن ولایت.»^۱

نویسنده‌ی ناشناس تاریخ سیستان از آمدن حضرت سلیمان به سیستان هم می‌نویسد و چندین فصل دیگر، بنابراین همان‌گونه که تاریخ سیستان حکایت می‌کند سرتاسر تاریخ این سرزمین پر از افسانه‌هایی است که در هیچ نقطه‌ای از چنین افسانه‌هایی یاد نشده. پس باید گفت سیستان همان‌گونه که افسانه‌ها را در خود دارد حفریات باستان‌شناسی نیز گویای این هست که در هزاره‌های قبل از تاریخ یعنی در ۳۲۰۰ قبل از میلاد شهر سوخته حکایتگر تمدنی شگفت است. که مجموعه‌ای است از هنر، صنعت و کاشت و داشت. چنانکه باستان‌شناسان روسی ۶۲ سال قبل از آنکه شهر سوخته را از خواب گرانسنگ هزاره‌ها بیدار کنند، در محلی بنام گردن ریگ در جنوب

۱- تاریخ سیستان نویسنده ناشناس به تصحیح ملک الشعراء بهار ناشر مؤسسه خاور سال ۱۳۱۴ صفحه ۹

سیستان موفق به کشف آسیا دستی شده اند که مربوط به (۲۹۰۰ ق.م) می باشد. این آسیادستی ثابت می کند که مردم سیستان در آن سال ها آسیا کردن گندم و پخت و پز نان را به طور کامل می دانسته اند. یعنی مردم سبندی و کاشت و داشت را دانسته بودند و این دو موضوع نشان می دهد در زمانی که در بیشتر نقاط مردم هنوز عصر غارنشینی و آغاز گله داری را تجربه می کردند مردم سیستان دارای تمدنی بسیار بالا بودند. بنابراین وقتی می بینم سیستان در عصر اساطیر مطرح است. انسان به این باور می نشیند که این مردم از نظر رفاه در سطح بالایی بوده اند، چنان که میرخواند می نویسد. جمشید از دارالملک خود که سجمستان بود به فارس رفت و در صحرای خفرک چهل منار را برپا ساخت منظور از چهل منار همان تخت جمشید می باشد.

در دوران پهلوانی حضور پهلوانانی همچون رستم، گیو، گودرز سیستان را سرآمد جهان آن روز قرار داد و ترکان که با فرماندهی افراسیاب چشم طمع به سیستان داشتند برای همیشه مغلوب و از مرزهای شمالی ایرانی رانده شدند. در آغاز دوره تاریخی سیستان با فرزندان بهمن اسفندیار وارد تاریخ می شود و سیستان همچنان با دوران طلایی گذشته تاریخ ساز می شود. بنابراین سرزمینی با این همه جلال و شکوه باید دارای افسانه های گوناگون باشد که از زبان مردان روشن ضمیر در شب های طولانی پاییز و زمستان شنیده می شود. یعنی دو نوع افسانه در سیستان مرسوم بوده.

۱- افسانه های نشئت گرفته از دوران پهلوانی که مردم به خواست خود آنها را به وجود آورده اند. و برای همدیگر بیان کرده اند.

۲- افسانه های گوناگون که قهرمانان داستان ها دیوان بوده اند که با مردم به ستیز می پرداختند. که این قضیه برمی گردد به ورود آریاها و درگیری آنها با مهمانان تازه وارد.

یکی از این شبه دیوان «بز لنگی» است. که موجودی است قوی شبیه دیو که مثل انسان روی دو پا راه می رفته و چون نمی توانسته به طور قائم به ایستد یک پایش را می کشیده این موجود در افسانه های سیستانی نقش عمده ای در جنگ با مردم دارد. و اغلب هم دچار شکست می شده.

افسانه های دوم مربوط می شود به آدمی بنام «کوسه» یعنی انسانی که فقط در چانه اش ریش کوچکی دارد. این آدم بسیار زرنگ و حیلہ گر است و نقش مهمی در راهنمایی مردم دارد.

افسانه های سوم مربوط به «گرگک» است گرگ یعنی انسان کچل این فرد کچل آدمی است نیرنگ باز که مسایل بسیار مشکل را حل می کند و انسانی است بسیار باتدبیر که مشکلات را به سادگی از پیش پایش برمی دارد و همیشه هم در حل و فصل معضلات موفق هست. به غیر از این سه یعنی کوسه، بز لنگی و گرگک که نقش اصلی افسانه های سیستان را دارا می باشند موجودات دیگری نیز مثل خروسک، دیو و... در افسانه های سیستان نقش های گوناگونی دارند. بنابراین زندگی این مردم سرشار از داستان هایی است که بازگوکننده آرمان ها و نیازهای آنها در ادوار مختلف زندگی و دربردارنده خاطره های ملی در تلاش با مشکلات است. که گاه با سرپنجه تدبیر انسانی کوسه و گاه با گریزی از آهن تمامی موانع را از سر راه برمی دارد و قهرمان را به سر منزل مقصود می رساند.

آنچه تقدیم حضور می گردد بخشی از افسانه های مردم سیستان هست که افسانه های عامیانه در هر منطقه به نامی مرسوم است چنانکه مردم غرب ایران به آن «اوسنه» می گویند و جاهای دیگر به نامی دیگر و مردم سیستان به این افسانه ها «آسوکه» می گویند.

امین اله سرابندی